

# فایده‌های قصه‌گویی

O محمد حنیف

در اهمیت قصه‌گویی، همین بس که اندیشمندانی چون افلاطون، به اهمیت آن اشاره و تأکید کرده‌اند که باید پرستاران و مادران را وادار کنیم فقط حکایاتی را که پذیرفته‌ایم، برای کودکان نقل کنند. ادیان الهی نیز در بیان اصول خود، از قصه‌گویی سود برده‌اند. کم نیستند اقوامی که میزان وابستگی فرد به قبیله را براساس تعداد داستان‌هایی می‌سنجند که از پدران و مادران خویش شنیده‌اند. با این وصف، می‌توان ادعا کرد که قصه‌گویی، به مثابه ابزاری مطمئن، در خدمت آموزش و پرورش عمل می‌کند.

ثریا قزل ایاغ، از استادان دانشگاه تهران، قصه‌گویی را، صرف نظر از سرگرمی، ابزاری برای انعکاس دیدگاه انسان دربارهٔ جهان و عوامل ناشناخته پیرامون او می‌داند. وی هم‌چنین، قصه را وسیله‌ای برای انتقال و آموزش آداب و سنن، اعتقادات و تاریخ نسلی به نسل‌های دیگر عنوان می‌کند. در حقیقت، غرور ملی نیز با بیان دلآوری‌های پهلوانان ملی و پستی‌های دشمن، توسط قصه‌گویان از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. قصه‌گو در دنیای قدیم، آن چنان مورد توجه بوده که در این مورد گفته‌اند: «قصه‌های قومی، وسیلهٔ پیوند جامعه بوده‌اند. این قصه‌ها نه تنها بیانگر، بلکه سازمان دهنده و تقویت‌کنندهٔ افکار، احساسات، اعتقادات و رفتارهای مردم نیز بوده‌اند.»<sup>۱</sup>

برونو بتلهایم، روان‌شناس آمریکایی، در کتاب «کاربردهای افسون»، با بررسی افسانه‌های جن و پری، فواید این قصه را به طور مفصل و با ارایه

نمونه‌های عینی از قصه‌های جن و پری، بررسی کرده است. مباحثی که او به آن‌ها پرداخته است، از این قرارند: نیاز کودک به جادو، خشنودی غیرمستقیم در برابر شناخت آگاهانه، اهمیت تجسم خارجی چهره‌ها و رویدادهای خیالی، دگرگونی‌های خیال‌پروری دربارهٔ نامادری پلید، سامان دادن به آشفتگی، دستیابی به همبستگی و همسازی شخصیت، وحدت بخشیدن به طبیعت دوگانه خویش و دستیابی به استقلال.<sup>۲</sup>

بررسی روان‌شناسانهٔ افسانه‌های جن و پری، از دیدگاه بتلهایم، ستودنی است. او با تسلط بر قصه‌های عامیانه و اصول روان‌شناسی، گام‌های مهمی در شناسایی فواید قصه‌های جن و پری برداشته است.

آن‌چه سبب نگرانی بسیاری از خانواده‌ها در استفاده از اسطوره‌ها و افسانه‌های عامیانه شده، وجود و تکرار صحنه‌های وحشتناک و حوادث ترسناک است؛ غافل از آن که بسیاری از این افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه، در حقیقت می‌تواند نقش درمانی، در گرفتاری‌های روحی کودکان ایفا کند.

بتلهایم در این مورد می‌گوید: «افسانه‌های جن و پری، کودک را در حل مسائل روانی ناشی از رشد و هم‌چنین، در راه همسان‌سازی و هماهنگی شخصیت خویش، یاری می‌دهند» و حتی صریحاً اعلام می‌دارد که «هرچه قصه خشن‌تر و بی‌رحمانه‌تر باشد، برای رشد روان کودک مفیدتر خواهد بود.»<sup>۳</sup>

بی شک، با جداکردن کودک از دنیای

قصه‌گویی، قدرت تخیل او را تضعیف می‌کنیم؛ زیرا قصه کودکان را به دنیای پر رمز و راز خیال‌پردازی می‌برد. بتلهایم در این باره، چنین می‌نویسد: «در طول بخش عمده‌ای از تاریخ بشر، زندگی معنوی کودک، پس از تجربه‌های نخستین در چارچوب خانواده، متکی بر اسطوره‌ها و قصه‌های دینی و افسانه‌های جن و پری بوده است. این ادبیات، باعث تقویت قوه تخیل کودک و تحریک خیال‌پروری او می‌شده و به علاوه، عامل مهمی در تربیت اجتماعی کودک به شمار می‌رفته است. اسطوره‌ها و افسانه‌های دینی، نقش عمده‌ای در بالابردن سطح اندیشهٔ کودک و تعیین آرمان‌های اجتماعی که هر کودک ممکن است خود را با الگوی آن همانند سازد، به عهده داشته‌اند.»<sup>۴</sup>

افسانه‌های جن و پری، در مقایسه با اسطوره‌ها، از این نظر تأثیر تربیتی بیشتری می‌گذارند که کودک با قهرمانان افسانه‌های جن و پری که ویژگی‌های فوق بشری ندارند، بهتر می‌تواند همانند سازی کند. وقتی قصهٔ جن و پری، از مرگ و زندگی سخن می‌گوید، در حقیقت به کودک می‌فهماند که وی نباید حیات خود را وابسته به پدر و مادر بداند؛ چون آن‌ها فانی‌اند و بنابراین، او باید در مسیر رشد و کمال گام بردارد.

قصه‌ها از راهی غیرمستقیم، مزایای رفتار منطبق با اخلاق را به کودک یاد می‌دهند. قصه‌های جن و پری، از فشارهای درونی کودک، به گونه‌ای با او سخن می‌گویند که به طور ناخودآگاه، آن‌ها را می‌فهمد و بی آن که شدیدترین ییکارهای درونی را که رشد کودک به همراه دارد،

ناچیز بشمرند، نمونه‌هایی از راه‌حل‌های موقتی و دایمی برای مشکلات او عرضه می‌دارند. لذا این نوع قصه‌ها، در غنی سازی حیات درونی کودک، موفقیت زیادی کسب کرده‌اند. نمایش ضدقهرمان‌ها و نمادهای شر در مقابل نمادهای خوب، در قصه‌گویی، به کودک این امکان را می‌دهد که با زندگی واقعی آشنا شود و خود را برای برخورد با بدی‌ها نیز آماده سازد.

قصه‌گویی خوب، به کودک می‌فهماند که ضعیف‌ترین‌ها هم راهی برای موفقیت خواهند یافت. مسئله مهم در قصه‌گویی اصولی، این است که کودک بر ترس خود از تنها شدن، دل‌نگرانی و... فائق آید و احساس کند که در دنیا تنها نیست و حتی در صورت تنها شدن، می‌تواند خود را حفظ کند. در افسانه‌ها برای مسائل مختلف زندگی، از جمله ترس، راه‌حل‌هایی ارائه شده است.

بتلهایم با ارایه مثال‌هایی، نشان می‌دهد که وظیفه افسانه‌ها، تعلیم و تربیت عاطفی کودکان است. در حالی که این بخش در دستگاه آموزشی ما عملاً به فراموشی سپرده شده و تنها بخش آموزش مطالب علمی، مورد نظر قرار گرفته است.

از دیگر فواید اخلاقی قصه‌گویی، نقش بازدارندگی آن است. توجه به جزا و هراس از جزا، می‌تواند بازدارنده محدودی در مقابل ارتکاب جرم باشد. کودک از آن رو که افراد شرور در قصه‌ها به مکافات عمل خود می‌رسند، به نوعی آموزش می‌بیند. به دلیل عدم وجود شخصیت‌های پیچیده،

کودک با شنیدن قصه‌هایی که در آن‌ها نمادهای خوبی و بدی، سخت‌کوشی و تنبلی و... در مقابل هم قرار می‌گیرند، به آسانی تفاوت میان دو قطب مثبت و منفی را در می‌یابد و یاد می‌گیرد که به کدام سمت برود. از نظر بتلهایم: «اخذ این تصمیم اساسی که مبنای تحول بعدی شخصیت است، بر اثر قطبی بودن افسانه‌های جن و پری، آسان می‌گردد.»<sup>۵</sup> تبادل فرهنگ نیز از دیگر فواید قصه‌گویی به شمار می‌رفته است. قصه‌گویان دوره گرد، قصه‌های ملل خود را در خلال سفرها، به سرزمین‌های دیگر منتقل می‌کردند و این قصه‌ها، علاوه بر تأثیر در زندگی و نگرش قوم مقصد، در مراحل بعدی دچار دگرگونی‌های مختلف می‌شد. ثریا قزل ایغ، کلیله و دمنه را نمونه بارز این گونه تحولات فرهنگی در ادبیات فارسی می‌شمارد؛

«بخش‌هایی از این کتاب، پس از آن که از سانسکریت به پهلوی، از پهلوی به عربی و از عربی به فارسی برگردانده شد، دگرگونی‌های فرهنگی عمیقی پیدا کرد. کلیله و دمنه‌ای که اکنون در ادبیات فارسی وجود دارد، کاملاً بار فرهنگی ایرانی - اسلامی دارد.»<sup>۶</sup>

جک زاپیس، مهم‌ترین تأثیرات تربیتی قصه‌گویی را این‌گونه بازگو می‌کند که قصه‌گویی با الگوهای کلاسیک، می‌تواند تا حد بسیاری تأمین‌کننده هر دو حالت سازگاری سالم و ناسازگاری خلاق باشد. زاپیس سپس توضیح می‌دهد که ناسازگاری خلاق، عبارت است از درهم شکستن آن دسته از قالب‌های اجتماعی که از نظر اخلاقی، اشکالات فراوانی دارد.<sup>۷</sup>

## آن چه سبب نگرانی بسیاری از خانواده‌ها در استفاده از اسطوره‌ها و افسانه‌های عامیانه شده، وجود و تکرار صحنه‌های وحشتناک و حوادث ترسناک است؛ غافل از آن که بسیاری از این افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه، در حقیقت می‌تواند نقش درمانی، در گرفتاری‌های روحی کودکان ایفا کند

خوشبختانه، در ادب کهن ایرانی نیز نمونه‌هایی از چنین کتاب‌هایی یافت می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها توسط خردمندان عصر و با هدف تربیت شاهزادگان نگاشته شده است.

اولریش مارزلف، با اشاره به کتاب‌هایی که در قالب داستان برای شاهزادگان نوشته شده است، از رسم آموزش به وسیله تمثیل و استعاره در مشرق زمین، به عنوان رسمی کهن یاد می‌کند و خردنامه‌ها و کلیله و دمنه و به طور کلی داستان‌های تمثیلی را نمونه‌های اعلا‌ی این کتاب می‌داند. این کتاب‌ها که به زبان‌های عربی و فارسی نوشته می‌شد، به عنوان ابزار تعلیم و آموزش به کار می‌رفت؛ چرا که در فرهنگ مشرق زمین، «تمثیل را با ظرافتی که در آن نهفته است، خیلی مؤثرتر از خطاب و پند و اندرز می‌دانستند.

زیرا تمثیل، تفکر مستقیم را بر می‌انگیزد و از این رهگذر، حکمت را در جهت مطلوب به صورتی مستقل، در ذهن متعلم جایگزین می‌کند و موجب آن نمی‌شود که مطلبی به صورت جزئی، به مخاطب ارایه گردد.»<sup>۸</sup>

مارزلف سپس با اشاره به این که در خردنامه‌ها، الگوهای رفتاری مناسب، در قالب مثال‌ها و قصه‌های جذاب، برای شاهزادگان بیان می‌شد، غرض اصلی خلق چنین آثاری را هدایت و راهنمایی‌های اخلاقی عنوان می‌کند، اما دیگران نیز با هدف سرگرمی از این کتب سود می‌جستند. به همین دلیل، غالب این نوشته‌ها از جد و هزل و تعلیم و تفریح، در کنار هم استفاده کرده‌اند و البته «گاه هست که جنبه سرگرم‌کننده یک مجموعه قصه، کاملاً جنبه تعلیمی آن را در سایه خود قرار می‌دهد، همان‌گونه که در مورد مجموعه قصص ابن جوزی، ابن دانشمند سخت‌گیر حنبلی، مصداق پیدا کرده است. هرگاه کلیه این جهات و جوانب را مد نظر داشته باشیم، به این نتیجه می‌رسیم که قصه‌های تعلیمی، از دیدگاه‌های کاملاً مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرند.»<sup>۹</sup>

مارزلف به سهم قصه در گفت و شنودهای بین مذاهب نیز اشاره می‌کند. او انتقال مضامین فکری از طریق قصه را امری طبیعی می‌داند و می‌نویسد که کلیله و دمنه، نه تنها به زبان‌های متعدد ترجمه شد، بلکه در عرصه‌های مذهبی متعددی نیز هم چون عرصه‌های فکری بودایی، زردشتی، اسلامی، یهودی و مسیحی تأثیر گذاشت.

مارزلف نمونه در نور دیدن مرزهای جغرافیایی، ملی، زبانی و فرهنگی توسط قصه را در لطیفه «پرداخت قیمت یاقوت و وعده» مطرح می‌کند. در این لطیفه، شاعری را در ازای مدحی که گفته بود، با قول دادن صله کلانی مرخص کردند. هنگامی که وی بعدها سراغ پول موعود را گرفت، به شاعر گفتند که وی با قصیده مدحیه خود موجب شادی خاطر سلطان شده و سلطان هم بدین ترتیب، تصفیه حساب کرده که با قول و حرف، خاطر شاعر را به همان اندازه شاد کرده است. ارسطو در قرن چهارم پیش از میلاد نیز از این لطیفه خبر داشته و از آن یاد کرده است. این لطیفه از طریق مورالیا، اثر پلوتارک، به شکل‌های متعددی به زبان‌های اروپایی راه یافته است. وجه

خاصی از این قصه که از قرن پنجم در ادبیات بودایی هند دیده می‌شود، الزاماً «اصیل» نیست و احتمال دارد که از روایت یونانی عتیق آن سرچشمه گرفته باشد. این لطیفه، به احتمال قوی از طریق ترجمه‌های صورت گرفته از زبان یونانی به عربی، در اوایل قرن نهم، به قالب زبانی عربی درآمد و از آن جا وارد روایت اسلامی ایرانی شد.<sup>۱۱</sup>

مارزلف سهم هندوستان را هم در پدیده قصه‌های تعلیمی مذاهب، مهم می‌داند. وی قصه‌های مریض خیالی و نابینا و فیل را هم از جمله قصه‌هایی می‌داند که ریشه در هند دارند و از هند به فرهنگ‌های دیگر راه یافته‌اند.

ابن عبدی (ابوالفرج بن عبرایه، قرن سیزدهم) نیز از جمله افرادی است که حکایاتی از متون عربی- اسلامی را به صورتی که مناسب

محیط‌های سریانی و مسیحی باشد، ارائه می‌داد. از آن جمله، قصه‌ای است که ابن عبدی، آن را این چنین بیان کرده است: «به دیوانه‌ای گفتند: تعداد دیوانگان شهر حمص را بگو و او جواب داد: به علت فراوانی دیوانه‌ها، نمی‌توانم آن‌ها را بشمرم، ولی اگر تعداد عقلا را بخواهید، برای شما می‌شمرم؛ چون اندک‌اند.»<sup>۱۲</sup>

در منبع اصلی، یعنی در دایرةالمعارف نثرالدر، اثر ابومنصوراللاتی که به عربی تحریر شده است، صحبت از شهر سوری امروزی، یعنی حمص نیست و در آن جا ماجرا در شهر بصره رخ می‌دهد.

بدین صورت که از دیوانه‌ای در این شهر می‌خواهند که دیوانه‌های بصره را بشمرد و او جواب می‌دهد: شما کار مشکلی به عهده من گذاشته‌اید. بهتر است که من عاقل‌ها را بشمرم!

از این دیوانه، در سایر منابع، به صورت بهلول یاد شده و در «قصه‌های فرح‌انگیز»، در مورد او لطیفه‌های بیشتری نقل شده است.

نکته جالبی که مارزلف به آن اشاره می‌کند، حضور قهرمانانی چون بهلول، در محدوده استدلال‌های مذهبی است. بهلول که به عنوان شاگرد مخصوص و همراه وفادار امام جعفر صادق (ع) شناخته می‌شود، پس از شهادت امام جعفر صادق (ع) توسط هارون الرشید، به تقیه متوسل می‌شود و جالب این که حکایات شخصیتی چون بهلول، در تألیفات کلامی کردان اهل حق و در فقه شفاهی یهودیان ایران و مسیحیان آرامی نیز راه می‌یابد.

اولریش مارزلف، بحث خود درباره سیر قصه‌های تعلیمی میان مذاهب را این گونه به پایان می‌رساند: «قصه همواره توأم با جنبه‌های سرگرمی و غیر جدی است... از جانب دیگر، قصه دارای این ویژگی است که حکمت بشری و نیز حکمت مذهبی را به صورتی پسندیده و جذاب، به نحوی ارائه می‌دهد که با وجود کلیه تفاوت‌های کلامی و جزئی، با تمرکز بر آن چه مهم و اساسی است، زمینه را برای آغاز گفت و شنود فراهم می‌آورد.»<sup>۱۳</sup>

در مجموع، پژوهشگران به برخی از فواید قصه‌گویی، چنین اشاره کرده‌اند:

۱- تلطیف عواطف و احساسات

۲- سرگرمی

۳- بالا بردن سطح کتابخوانی

**مسئله مهم در قصه‌گویی اصولی، این است که کودک بر ترس خود از تنها شدن، دل نگرانی و... فائق آید و احساس کند که در دنیا تنها نیست و حتی در صورت تنها شدن، می‌تواند خود را حفظ کند. در افسانه‌ها برای مسائل مختلف زندگی، از جمله ترس، راه حل‌هایی ارائه شده است**

۴- کم کردن فاصله خواندن و درک مطلب

۵- گسترش گنجینه لغات

۶- یادگیری شنیداری

۷- پرورش قدرت تخیل

۸- بالا بردن قدرت اعتماد به نفس

۹- شناخت بیشتر محیط

۱۰- یادگیری جمله سازی و تربیت نیروی

بیان

۱۱- تقویت قوه حافظه

۱۲- تقویت قدرت بیان و اجتماعی بودن

۱۳- آمادگی مواجه شدن با مشکلات و تأمین

امنیت روانی

۱۴- سهیم شدن قصه‌ها در فرایندی شفا

دهند

- ۱۵- گسترش تجارب و اطلاعات  
۱۶- رشد شعور اجتماعی مخاطبان  
۱۷- میل به خواندن و نوشتن و علاقه‌مندی  
به ایفای نقش و نقالی توسط مخاطبان  
۱۸- گسترش و تربیت توانایی تفکر و تمرکز  
حواس

۱۹- بیان ارزش دانایی و زبان نادانی

۲۰- پرورش ذوق هنری

۲۱- تعلیم ارزش‌های اخلاقی

۲۲- انتقال فرهنگ

۲۳- برآوردن نیازهای روانی و عاطفی

مخاطبان

۲۴- ایجاد شغل

۲۵- استفاده در آموزش زبان ریاضی

۲۶- استفاده در درمان بیماران

۲۷- ایجاد اتکای به نفس در

قصه‌گویان میانسال

۲۸- ایجاد صمیمیت و

اعتماد بین قصه گو و مخاطب، بر

اثر عبور از مرز واقعیت‌ها

۲۹- فراهم آوردن زمینه

تحمل عقاید دیگران

۳۰- گسترش کتابخوانی و

افزایش لذت ادبی

۳۱- افزایش قوه ادراک

مخاطبان

۳۲- ایجاد پلی بین دنیای

افسانه‌ای تخیلی کودک و دنیای

واقعی بزرگسالان

۳۳- استفاده در آموزش زبان

خارجی

پی نوشت‌ها:

۱- چمبرز، دیویی:

قصه‌گویی و نمایش خلاق،

ترجمه ثریا قزل ایغ، مرکز نشر

دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۶: ص ۵.

۲- بتلهایم، برونو: کاربردهای افسون، ترجمه

و توضیح، دکتر کاظم شیوا رضوی، ناشر، کاظم

شیوا رضوی، بی نا، ص ۴۴۵.

۳- همان: ص ۴۴۵.

۴- همان: ص ۱۴.

۵- همان: ص ۳۳.

۶- چمبرز، دیویی: پیشین، ص ۷.

۷- زاییس، جک: قصه‌گویی خلاق، ترجمه

مینو پرنیانی، انتشارات رشد، سال ۱۳۸۰، ص ۴۲.

۸- مارزلف، اولریش: مقاله سیر قصه‌های

تعلیمی بین مذاهب، ترجمه کیکوس جهاننداری، در

مجله بخارا، شماره ۷.

(۹)، (۱۰)، (۱۱) و (۱۲): همان.